

درس اخلاق مقام معظم رهبری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حدیثنا محمد بن علی، عن عمه محمد بن ابی القاسم، عن هارون بن مسلم، عن مسعدة بن بن صدقه (ایشان توثیق نشده است ولی ما بخاطر اینکه در طرق کامل الزیارات و تفسیر قمی است، ایشان را ثقه می دانیم و روایتش را قبول داریم. سند این روایتی که می خوانیم، سند معتبری است اگر چه غیر از مسعدة یک نفر دیگر هم در سند هست، محمد بن علی، که مراد محمد بن علی بن ابی القاسم ماجیلویه است، ایشان هم توثیق نشده است، لکن ما با قرائن متعددی ایشان را ثقه می دانیم. به هر حال، سند معتبر است.) «عن الصادق جعفر بن محمد علیهما السلام عن ابیه، عن آباءه علیهم السلام أن أمير المؤمنين علیه السلام خَطَبَ بالبصرة»؛ حضرت یک خطبه ای در بصره خواندند. بصری ها با امیرالمؤمنین میانه خوبی نداشتند، در عین حال، حضرت آنجا تشریف بردند و این خطبه را آنجا ایراد کردند. «فقال بعد ما حمدا لله عز و جل و اثنی علیه و صلی علی النبی و آله»؛ بعد از حمد و ثناء خداوند، فرمودند: «المدّة وإن طألت قصر».

در محضر ولایت



فقرات این خطبه همه موعظه است. خطاب به اهل بصره است. اما ما هم در این زمان مخاطب کلماتیم. باید دقت کرد اینها را دریافت؛ با همه وجود، با همه دلیل بایستی این کلمات را فهمید، در دل جای داد.

فرمود: مدّت، یعنی مدّت عمر، اگر صد سال هم در این دنیا بمانیم باز مدت کوتاه است. شما جوانها این تجربه را ندارید، انسان وقتی به این سنین هفتاد، هشتاد سال می رسد، پشت سرش را که نگاه می کند مثل اینکه چند روز گذشته! زمان هر چه هم به نظر طولانی بیاید و عمر طولانی بشود، کوتاه است. چون گذرا است، گذرنده است، فوراً انسان می رسد به آن آخر کار. «و الماضی للمقیم عبرة»؛ آن که رفته است عبرت است برای آن کسی که هست. یعنی من و شما نگاه کنیم، دیروز کسانی در میان ما بودند، امروز نیستند. این برای ما عبرت است. ما هم امروز هستیم، ممکن است فردا نباشیم. عبرت از این روشن تر، واضح تر؟

«و المیت للحي عظة»؛ مُرده برای زنده موعظه است. این مُرده هایی که می بینید، اینها وجودشان موعظه برای ماست، پند به ماست. یعنی حواستان باشد این وضعیت قطعاً، بدون هیچ تردیدی برای شما هم وجود خواهد داشت. فکر آن روز را بکنید! «و لیس لأمس إن مَضَى عُوْدَةٌ»؛ دیروزی که رفت، دیگر برنخواهد گشت. کاری که دیروز کردید، در نامه عمل شما باقی ماند و آنچه انجام گرفت، ثبت شد، این، تغییر پذیر نیست مگر به وسیله توبه و انابه و استغاثه و تضرع پیش پروردگار. و الا آنچه گذشت، دیگر گذشت، برگشتی نیست. «و لا المرء من غدر علی ثقة»؛ هیچ کس نسبت به فردا وثوق و اطمینانی ندارد، ممکن است فردایی وجود نداشته باشد. دیروز که رفت، فردا هم معلوم نیست باشد یا نباشد، آنچه در اختیار ماست، الآن است.

«الأوّل للوسط رائد»؛ آن که جلوتر است برای کسی که وسط است، پیشرو است، پیش آهنگ است. یعنی او جلو می رود، این وسطی هم پشت سر اوست. «و الاوسط للآخر قائد»؛ آن جوان، آن نوجوان یا آن کودکی که آخر صف است، او هم دنبال اینها حرکت می کند. همه به یک محل خاصی حرکت می کنند. «و الیوم الهائل لكل أرف (یا آرف)»؛ «أزفت الآزفة لیس لها من دون الله کاشفه» که در قرآن کریم است می فرماید: آن روز هولناک، آنروز آرف است، یعنی به سرعت دارد می آید! یا به

معنای شتاب گیرنده است، یا به معنای قریب و نزدیک است. احتمال هر دو هست. «إنهم یروونه بعیداً و نراه قریباً» - خدای متعال می فرماید - خیال می کنند قیامت دور است؛ نه، ما می بینیم، قیامت همین حالاست، اندکی بعد است. «و هو الیوم الذی لا یتفع فیهِ مالٌ و لا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم». دل سالم، دل پاک، دل دور از گناه و آلودگی را باید در آنجا بُرد، آن به درد می خورد. (امالی، ص ۱۷۰ و بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۳۸۰، باب ۱۵)